

نهج البلاغه، نهج الحياه

در سرمقاله شماره پیشین راجع به موضوعات مهم جامعه اسلامی عناوینی پیشنهاد و از نویسندگان و صاحب نظران خواسته شد که مقالات خود را در آن زمینه‌ها تألیف نمایند. فصلنامه نهج البلاغه آینه فرهنگ علوی و نمایشگاه حکومت امیر مؤمنان (علیه السلام) است. اکنون در همان راستا لازم است به مطلب دیگری اشاره شود و آن بهره‌وری بیشتر از عهدنامه مبارک امام (علیه السلام) به مالک اشتر است که در همه موارد کلان اداره کشور رهنمودها و نکات کلیدی و استراتژیک را اعلام فرموده که الهام بخش و راهگشای دولت جمهوری اسلامی می‌باشد و وزراء و مدیران ارشد باید آن را جدی گرفته و به عنوان دستور حکومتی و کتاب قانون از آن استفاده کنند و رییس جمهور محترم گروهی از محققان و اسلام‌شناسان را مأمور استخراج دستورها و آیین نامه‌ها نموده تا ابعاد ظریف و حتی ناشناخته آن را ارائه کنند و برای اجراء به کارگزاران ابلاغ نماید. همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند:

اگر مالک اشتر به عنوان استاندار و والی و حاکم مصر معین می‌شود، برای آن نیست که برای خود عنوانی و قدرتی کسب کند، یا سود و بهره‌ای مادی برای خود جلب کند؛ برای آن است که این کارها را انجام دهد: برای اداره امور مالی کشور از آنها مالیات بگیرد. با دشمنان مردم مبارزه کند، آنها را در مقابل دشمنانشان مصونت ببخشد، آنها را به صلاح نزدیک کند (صلاح با بُعد وسیع مادی و معنوی که از نظر علی (علیه السلام) و در منطق نهج البلاغه مطرح است). شهرها و حیطة حکومت خود را آباد کند.^۱

در هر صورت چهار رکن مهم در ادراک کشور عبارتست از:

- ۱- «جَبَايَةَ خَزَائِحَهَا»: سامان دادن مالیات و تنظیم قانونمند امور اقتصادی
- ۲- «وَجِهَادَ عَدُوِّهَا»: برنامه‌ریزی و اقدام شایسته و جامع در امور نظامی، رزمی و دفاعی

۱. سخنرانی در کنگره هزاره نهج البلاغه - اردیبهشت ماه ۱۳۶۰





۳- «اَسْتِضْلَاحُ أَهْلِيهَا»: توجه جامع وکامل به مسائل تربیتی، آموزش مبانی اخلاقی و اعتقادی برای ایجاد جامعه برتر اسلامی

۴- «وَعِمَارَةُ بِلَادِهَا»: سعی در عمران و آبادانی شهرها و گسترش رفاه عمومی امام (علیه السلام) در رابطه با اداره کشور به تبیین و توضیح چهار اصل فوق پرداخته و موارد متعدد و اساسی را یادآوری می‌کند که بطور اجمال اشاره می‌شود.

الف : توجه به توده مردم و رعایت حال آنان :

«وَأَيُّهَا عِمُودُ الدِّينِ وَجَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَالْعَدْلُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْأُمَّةِ فَلْيُكُنْ صِغُوكَ لَهُمْ، وَ مَيْلَكَ مَعَهُمْ...»

این توده امت و مردمنده که تکیه‌گاه بلند دین و جمعیت انبوه مسلمین و نیرویی آماده در برابر دشمنانند، پس باید پشتیبانیت از آنان، و گرایش به ایشان باشد.

یکی از مهمترین ارکان و حامیان حکومت اسلامی توده و عموم مردمنده که باید در برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات و وضع قوانین بدانان توجه کرد نه خواص و ویژه‌گان و نورچشمی‌ها، و صاحبان ثروت و قدرت. و نکته اساسی دیگر که فضای مهر و عطوفت را در جامعه بالا می‌برد اقدامات عاجل و قاطع نسبت به رضایت‌مندی مردم و اقشار ضعیف از عملکرد دولت است تا آنان خود را مدافع و طرفدار دولت بدانند و در مشکلات به یاری و حمایت از آن سر از پا نشناسند:

« أَطْلِقْ عَنِ النَّاسِ عُقَّتَ كُلِّ حَقْدٍ، وَأَقْطَعْ عَنْكَ سَبَبَ كُلِّ وَثْرٍ...»

گره هر کنیه‌ای را که از مردم داری، باز کن، و دستاویز هر انتقامی را در خویش بگسل، و هرچه را که درستی آن بر تو روشن نیست نادیده انگار.

البته آنان وقتی مدافع دولت می‌شوند که احساس کنند دولت هم نسبت به آنان حسن ظن و قصد خدمت دارد :

«وَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ بِأَدْعَى إِلَى حُسْنِ ظَنِّ رَاعٍ بِرَعِيَّتِهِ مِنْ إِحْسَانِهِ إِلَيْهِمْ وَتَخْفِيفِهِ الْمُتَوَاتِرِ عَلَيْهِمْ وَ...»

یعنی مردم چگونه بدانند که والیان به مردم حسن ظن دارند؟ آنگاه که دولتمردان به ایشان خدمت کنند و بار سنگین زندگی را برای آنان سبک سازند و رفاه عمومی را گسترش دهند.

امام (علیه السلام) در ادامه ارائه راهکارهای اداره کشور سرفصل‌های جامع و اساسی را یادآوری می‌کند از جمله:

«وَأَعْلَمُ أَنَّ الرِّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بَعْضُ، وَلَا غِنَى يَبْعُضُهَا عَنْ بَعْضٍ؛ فَمِنْهَا جُنُودُ اللَّهِ، وَمِنْهَا كِتَابُ الْعَامَّةِ وَالْخِصَّاصَةِ، وَمِنْهَا قِضَاءُ الْعَدْلِ، وَمِنْهَا عَمَلُ الْأَنْصَابِ وَالرَّقِيقِ، وَمِنْهَا أَهْلُ الْحَرِيَّةِ وَالْحَرَجِ مِنْ أَهْلِ الذَّمَّةِ وَمُسْلِمَةِ النَّاسِ»

و بدان که توده‌های مردم دسته‌هایی هستند که هیچ‌یک بدون دیگری سامان نیابد و با هیچ‌یک از دیگری بی‌نیاز نتوان شد، برخی از ایشان لشکر خدایند و عده‌ای منشیان نامه‌های عمومی یا محرمانه، و دسته‌ای قاضیان دادگستر و بعضی کارگزاران منصف و اهل مدارا، و گروهی جزیه‌گزاران و پرداخت‌کنندگان مالیات اعم از مسلمان و غیرمسلمانند، و پاره‌ای بازرگانان و صنعت‌گرانند و جمعی فروماندگانی از حاجت‌مندان و مسکینانند، و خداوند سهم هر یک را معین داشته و حد و اندازه واجب آن را در کتاب خویش یا سنت پیامبرش - سلام خدا بر او و خاندانش - معین فرموده است...»

عمران و آبادانی شهرها

نکته مهم دیگر آنکه امام علی (علیه السلام) که نمونه زهد و تقوی و عرفان و عبادات بود دربارهٔ عمران و آبادانی شهرها تکیه کرده و آن را از مهم‌ترین وظایف دولت اسلامی بیان می‌نماید:

«وَلْيُكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِحْلَابِ الْحَرَجِ»

در مورد مالیات چنان عمل کن که موجب بهبود حال خراج‌گزاران گردد، زیرا با درستی خراج و سامان یافتن حال خراج‌گزاران، وضع دیگران نیز اصلاح شود و کار دیگران جز با بهبود آنان سامان نپذیرد، زیرا همهٔ مردم در گرو خراج و خراج‌گزارانند.



اما باید نظر تو بیشتر در آبادانی زمین و شهرها باشد تا گرفتن خراج، چون خراج بدون آبادانی به دست نیاید و آن که بدون آبادانی خراج مطالبه کند، کشور را خراب و مردم را هلاک کند و حکومتش چند روز بیش نپاید. بنابراین اگر مردم از سنگینی مالیات، یا آفت‌زدگی یا قطع آب یا خشکسالی یا دگرگونی وضع زمین بر اثر غرقاب‌یابی آبی شکوه کنند، به آنان تا هر قدر که فکر می‌کنی موجب بهبود وضعشان خواهد شد، تخفیف بده.

رسیدگی به تجارت و اقتصاد

و سرفصل مهم دیگر تجارت و اقتصاد است که امام علی (علیه السلام) سخن تعریف و تقدیر از کار تجار و بازرگانان به دولت هشدار می‌دهد و وظیفهٔ او را دقیقاً معین می‌کند که از سوء استفاده و خلاف کاری به ویژه احتکار آنان جلوگیری کرده و شدیداً نظارت کند.



«فَأَمْنَعُ مِنَ الْإِحْتِكَارِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنَعَ مِنْهُ...»

از احتکار (و هر کار خلاف قانون و عدل و انصاف) جلوگیری کن که رسول خدا- درود خدا بر او و خاندانش - جلوی آن را می‌گرفت... و اگر کسی پس از اخطار و نهی تو باز احتکار ورزید، کیفرش شده و عادلانه عقوبتش کن.

رسیدگی وبژه به قشر کم درآمد

امام علیه السلام همان‌طور که در آغاز پذیرش حکومت اعلام فرموده بود که عمده‌ترین علت آن مقابله جدی با ویژه‌خوران و ستمگران و حمایت کامل از مستضعفان است در این فرمان نه تنها توصیه بلکه به شکل قانون رسمی ابلاغ می‌نماید که باید بدانها بیش از دیگران رسیدگی کرد.

«وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ، وَقِسْمًا مِنْ غَلَاتِ صَوَافِي الْإِسْلَامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ، فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى، وَ...»

و بخش از بیت‌المال را به آنان اختصاص ده و نیز بخشی از غلات زمین‌های خالصه را در هر شهری به آنها واگذار، زیرا دورافتاده‌ترین آنها همان حقی را دارد که نزدیکترینشان...

و در همین راستا به مطلب مهم دیگری اشاره دارد و آن بهره‌کشی و سودجویی اطرافیان و وابستگان کارگزاران است که خود را به والی نزدیک می‌کند تا به زمین و امکانات و ویژه‌خواری دست یابند.

امام علیه السلام هشدار می‌دهد که مواظب آنها بوده و ریشه این فساد را قلع و قمع کند و چنین افراد سودجو را به تشکیلات خود راه ندهد:

«ثُمَّ إِنَّ لِلْوَالِي خَاصَّةً وَبِطَانَةً فِيهِمْ اسْتِثْنَاءٌ وَتَطَاوُلٌ وَقِلَّةٌ إِنْصَافٍ فِي مُعَامَلَةٍ فَأَحْسِمُ مَادَّةً أُولَئِكَ بِقَطْعِ أَسْبَابِ تِلْكَ الْأَحْوَالِ»

هر زمامداری یاران نزدیک و محرم اسراری دارد که در میان ایشان امتیازخواهی و درازدستی و بی‌انصافی در روابط اقتصادی پیدا شود اما تو ریشه ستم و فساد اینان را با بریدن اسباب آن بر کن.

سیدجمال‌الدین دین‌پرور